

Formulating a Comprehensive System of Contractual Excuses in the Iranian Legal Order

Seyyed Mohammad Hasan Momeni • Assistant Professor, Department of Jurisprudence and
Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, Allameh Tabataba'i
University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) dr.smhmomeni@atu.ac.ir

Amir Mahdi Ghorban Poor • Assistant Professor, Department of Private Law, Faculty of Law,
University of Edalat, Tehran, Iran. ghorbanpoor@gmail.com

Abstract

1. Introduction

The enforceability of contractual obligations is foundational to legal and economic systems. However, certain circumstances may obstruct an obligor's ability to fulfill these obligations, necessitating what is termed "Contractual Excuses" – doctrines and provisions that relieve the obligor, fully or partially, from liability under specific conditions. In Common Law, these doctrines are well-established, permitting partial or full exoneration based on predefined criteria. However, Iranian law, deeply rooted in Shi'a jurisprudence, approaches contractual excuses uniquely, emphasizing fairness, justice, and religious principles. Shi'a jurisprudence, as a primary influence on Iranian legal principles, mandates that the conceptualization of contractual excuses aligns with religious doctrines, which introduces distinct interpretative challenges and classifications that differ from Western legal frameworks. This article addresses the need for a structured, criteria-based categorization of contractual excuses, aiming to clarify their roles within the Iranian legal system, thereby facilitating more consistent legal outcomes and reinforcing justice in contractual relationships.

2. Research Question

This study primarily seeks to answer the question: What are the types and



criteria for classifying contractual excuses within the context of Shi'a jurisprudence and Iranian law? In addressing this question, the research aims to identify and delineate the scope and boundaries of contractual excuses within Iranian law, distinguishing them from comparable doctrines in other legal systems. The goal is to clarify how these excuses operate, their limitations, and their significance in preserving the balance between contractual obligations and fairness, especially when circumstances obstruct full compliance.

3. Research Hypothesis

This article provides an overview of the comprehensive system of contractual excuses in Islamic jurisprudence and Iranian law, aiming to categorize them systematically and does not present a specific hypothesis.

4. Methodology & Framework, if Applicable

The research adopts a doctrinal methodology, focusing on a detailed examination of Islamic jurisprudence, statutory laws, and legal doctrines relevant to the classification of contractual excuses in Iran. By analyzing primary legal texts, religious doctrines, and scholarly interpretations from prominent Shi'a jurists, the study synthesizes a comprehensive framework for understanding contractual excuses within the Iranian context. The research structure is divided into three progressive stages: (1) a conceptual analysis of contractual excuses, emphasizing Shi'a jurisprudential principles; (2) the establishment of classification criteria for different types of excuses, tailored to Iranian law; and (3) an explication of these excuses based on practical and doctrinal applications. The framework underscores a comparative approach, drawing distinctions between Iranian and Common Law doctrines to highlight the unique aspects of the Iranian legal approach to contractual excuses.

5. Results & Discussion

The research findings highlight a structured and detailed classification of contractual excuses within Iranian law, with a foundation rooted in Shi'a jurisprudence. This framework delineates two primary categories of excuses: Ta'azzor (impossibility of performance) and Ta'assor (severe hardship in performance). Each category reflects different levels of difficulty that might prevent an obligor from fulfilling contractual obligations, and both are distinguished by the nature and extent of the impediment. Through a doctrinal analysis, the study identifies and classifies fourteen specific types of excuses under each category, resulting in a total of twenty-eight distinct conditions that legally justify contract modification, annulment, rescission, or other adjustments.

The discussion reveals that Iranian law's approach to contractual excuses is more nuanced than many other legal frameworks, such as Common Law, where excuses are often addressed as exceptions. By contrast, the Iranian system

evaluates each instance of impossibility and hardship in performance based on criteria such as timing, personal versus general nature of the excuse, severity, and the influence of the excuse on contractual performance.

6. Conclusion

The study concludes that Iranian law, informed by Islamic jurisprudence, offers a systematic approach to contractual excuses, accommodating both impossibility and hardship scenarios. The distinct classification of impossibility and hardship in performance provides a robust framework that respects the intent and obligations within contracts while acknowledging legitimate barriers. With fourteen identified types of excuses under each category, resulting in twenty-eight possible scenarios, Iranian law enables precise application of legal remedies suited to the excuse type. This approach ensures that contractual obligations are balanced with fairness, where mere obstacles do not automatically trigger generic legal principles but instead prompt a specific response based on the unique nature and characteristics of the excuse encountered.

Keywords: Excuse, Hardship, Impossibility, Severe Contractual Hardship, Contractual Impossibility, Contractual Hardship, Contract Law.

صورت‌بندی نظام جامع معاذیر قراردادی در نظم حقوقی ایران

سیدمحمدحسن مومنی • استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه علامه

dr.smhmomeni@atu.ac.ir

طباطبانی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

امیرمهدی قربان‌پور • استادیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه عدالت، تهران، ایران.

ghorbanpoor@gmail.com

چکیده

کشف زیرمجموعه‌های یک نظام حقوقی کلان، برای تبیین و نفوذ به عمق محتوای آن با اهمیت است، لذا ضرورت پرداختن به تمام عناوین مشترک و متشابه و گردآوری آن‌ها در یک طرح پژوهشی، برای ترسیم نقشه کامل جغرافیای آن عناوین، امری انکارناپذیر است. این پژوهش هدف مزبور را در خصوص «معاذیر قراردادی» تعقیب می‌کند. «عذر» در حقوق ایران، به تبع فقه امامیه دارای نظامی قاعده‌مند است، لکن تاکنون به آن در قالب یک نظام حقوقی جامع توجه نشده است؛ جستار پیش‌رو بر آن است که انواع معاذیر قراردادی را در یک استقراء گسترده طبقه‌بندی و صورت‌بندی کند. نگاه جامع به تمام عناوین عذر در حقوق قراردادهای، از بیست‌وهشت عنوان پرده برمی‌دارد. چهارده عنوان ویژه از عذر در دو ساحت؛ یکی، تعذر و عدم امکان انجام تعهد و اجرای قرارداد، و دیگری، ساحت تعسر و سختی انجام تعهد، مجموعه نظام فقهی حقوقی عذر را شکل می‌دهد، که بروز هر کدام حسب مورد منجر به بطلان، انفساخ، ایجاد حق فسخ و یا لزوم تعدیل قرارداد خواهد شد. این مقاله با روش توصیفی تحلیلی و رجوع به منابع کتابخانه‌ای و استقراء گسترده در آثار فقهاء و حقوقدانان، سعی در معرفی این منظومه جامع دارد.

واژگان کلیدی: عذر، عسر، تعذر، تعسر، تعذر قراردادی، تعسر قراردادی، حقوق قراردادهای.



مقدمه

اجرای تعهدات ناشی از قراردادهای مشروع و قانونی اگرچه الزامی است، گاه با موانع محکمه‌پسند روبه‌رو می‌شود و نمی‌توان شخص متعهد را در تنگنای آن تعهد محبوس کرد. از چنین موانعی در نظام‌های مختلف حقوقی با عنوان معاذیر قراردادی (روحی و مرادی، تابستان ۱۴۰۰، ص. ۷۵) و در کامن‌لا در قالب نظریه عام معاذیر قراردادی یاد می‌شود (دارایی، ۱۳۹۴، ص. ۱۰۷). در برخی نظام‌های حقوقی، عذر حاصل‌آمده گاه هیچ‌گونه استثنایی بر اصل لزوم و التزام قلمداد نمی‌شود، بلکه سبب می‌شود متعهد نسبت به بخشی از خساراتی که در راستای اجرای تعهداتش متحمل شده است، مستحق جبران از سوی متعهدله شود (صادقی مقدم، ۱۳۷۹، ۱۷۸). فقه امامیه افزون بر آنکه یک نظام حقوقی مستقل و البته در چهارچوب نظام‌های حقوقی مذهبی است، به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین منابع حقوق ایران در ترسیم نظام جامع حقوقی بسیار مؤثر است. از این‌رو در بررسی مسئله عذر در قراردادها افزون‌بر توجه به متن قوانین و رویه و آرای قضایی و دکترین حقوقی باید در منابع فقهی نیز به‌طور جدی به تتبع پرداخت. مسئله جدی در تبیین نظام حقوقی، کشف گستره کامل عذر و تعریف و بیان معیار تقسیم‌بندی آن در عرصه قراردادهاست. نقش چنین عامل مهمی چنان حساس و بغرنج است که عدم رصد آن می‌تواند در تعیین نتایج حقوقی و حتی دادرسی‌ها، مسیر انصاف و عدالت را مخدوش سازد.

بنابراین، پرسش اصلی در این پژوهش درباره انواع عذر و معیار طبقه‌بندی آن‌ها در قلمرو قراردادهاست. ساختار این تحقیق در سه لایه کلی، نخست به مفهوم‌شناسی و سپس به معیار طبقه‌بندی و تقسیم انواع عذر و آنگاه به تعریف و تبیین هر یک از آن‌ها می‌پردازد.

پیشینه پژوهش: موضوع عذر در حوزه قراردادها عاملی نیست که بتوان از نظر دور داشت یا آن را پدیده‌ای نوظهور خواند. مقتضای زندگی بشری با توجه به فرازوفرودها و پیچیدگی‌های گوناگونش در طول تاریخ حتماً می‌توانست قراردادها را با چالش عذر مواجه سازد.

کتاب‌های فقهی و حقوقی در مباحث گوناگون ذیل عقد اجاره و بیع و نیز در مباحث قواعد عمومی قراردادها و مباحث پراکنده به عناوین خاصی از عذر پرداخته‌اند. مسئله عذر در متون فقهی مانند مصباح‌الفقاهه آیت‌الله خویی و مهذب‌الاحکام آیت‌الله سبزواری و کتاب‌های حقوقی مانند عقود معین دکتر کاتوزیان و الفارق دکتر لنگرودی، اگرچه پراکنده و خارج از نظام جامع، مورد توجه قرار گرفته است. در مقالات گوناگون نیز به مسئله عذر در ارتباط با قراردادها توجه

شده و هر پژوهشی به موضوعی خاص در این زمینه پرداخته است. مقاله «تأثیر حدوث عذر عام بر عقد مزارعه از منظر فقه و حقوق» (زنگنه شهرکی و حسین‌پور، ۱۴۰۰، ص. ۱۶۵)، تنها به عذر عام و نقش آن در رابطه با عقد مزارعه توجه کرده است. مقاله «آثار و شرایط قوه قاهره در فقه امامیه و حقوق مدنی ایران» (هوشیار و همکاران، بهار و تابستان ۱۳۹۹، ص. ۱۱۹)، تنها به قوه قاهره و عوامل خارج از اراده و مدیریت شخص متعهد و شرایط تحقق و آثارش پرداخته است. در قراردادهایی که در طول زمان امتداد می‌یابد و اجرا می‌شود، چه بسا شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که در هنگام تشکیل قرارداد وجود داشته، در طول زمان و هنگام اجرای قرارداد تغییر کند و ضرورت تعدیل قرارداد لازم آید. مقاله «تغییر بنیادین اوضاع و احوال در قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز؛ مطالعه موردی: حقوق ایران و کامن‌لا» (فرخانی و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۶۵)، به دگرگونی این شرایط در قراردادهای بالا دستی صنعت نفت و گاز توجه کرده است. مقاله «بررسی عقد اجاره در مواجهه با عذر عام» (مومنی و مومنی، بهار ۱۳۹۳، ص. ۱۴۱) نیز تنها عقد اجاره را در مواجهه با خصوص عذر عام مورد ارزیابی قرار داده است. در هیچ‌یک از این مقالات، به انواع عذر در ساحت قراردادها نگاه جامع نشده و استقرایی شایسته در این حوزه صورت نگرفته است. این پژوهش تلاش دارد تا این کاستی را جبران کند.

۱. مفهوم‌شناسی عذر (Excuse)

۱.۱. عذر از منظر لغت

عذر از نظر لغوی بر وسیله دفاع و اعتذار (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص. ۵۴۵) و نیز بر چیزی که مایه رهایی از ملامت و سرزنش است، اطلاق می‌شود (عبدالرحمان، بی‌تا، ج ۱، ص. ۲۳۳). معنای اصطلاحی عذر در فقه امامیه و حقوق ایران مغایر با معنای لغوی آن نیست (مومنی، ۱۳۹۸، ص. ۳۱) و باید در کنار حقیقت لغوی، به بحث درباره قیود و شرایطی پرداخت که از لحاظ حکمی در نظام فقه امامیه و حقوق ایران مورد توجه قرار گرفته است. آنچه در تعریف برخی نویسندگان حقوقی آمده، مانند «عذر عاملی است که خارج از اراده آدمی باشد و بر اراده او اثر بازدارنده گذارد» (جعفری، ۱۳۸۸، ج ۴، ص. ۱۷)، در واقع، شاخصه تحقق معنای لغوی به‌عنوان ملاک رهایی از مسئولیت و هرگونه ضمانت اجرای آن است؛ زیرا ممانعت از عواملی که پیش‌بینی‌ناپذیر و بازدارنده و خارج از اراده و کنترل آدمی است، به‌طور معمول و متعارف غیرممکن است و در

برابر ناممکن هیچ الزامی وجود ندارد (مؤمنی، ۱۳۹۸، ص. ۳۲). تأثیر بازدارندگی عذر گاه به شکل عدم امکان اجرای قرارداد و گاه به شکل سختی بسیار شدید در اجرای قرارداد است. در حقوق ایران به تبع فقه امامیه از گونه نخست با عنوان «تعذر وفا به عقد» و از گونه دوم با عنوان «عسر و حرج» و «تعسر در اجرای قرارداد» یاد می‌شود. عنوان عذر در حقوق قراردادهای گاه به معنای مانع نه در برابر اجرای قرارداد، بلکه در ممانعت از صحت و تشکیل عقد اثرگذار است مانند عذر اعتباری قانونی یا شرعی در منع از خرید و فروش مشروبات الکلی.

۲.۱. تمایز تعذر و تعسر

تعذر در اجرای قرارداد به معنای عدم امکان اجرای قرارداد و عمل به مفاد و تعهدات حاصل‌آمده از آن است. تکلیف در چنین عجزی را تکلیف خارج از توان دانسته‌اند و گاه اصطلاح «حرج» به این معنا به کار می‌رود (نراقی، ۱۳۷۵، ص. ۱۸۵). «تعذر وفا به مضمون عقد» قاعده‌ای فقهی است که نشان می‌دهد اگر به واسطه تعذری دائمی یعنی عدم امکان انجام دادن تعهد، وفا به مضمون و مفاد عقد از آغاز تشکیل (عذر اصلی) مقدور نباشد و اجرای آن غیرممکن باشد، آن عقد باطل است (بجنوردی، ۱۳۸۶، ج ۵، ص. ۲۶۵). برخی بر این باورند که تعذر وفا و عدم امکان اجرای عقد، چه از سوی دو طرف قرارداد و چه از سوی یک طرف، سبب بطلان عقد است؛ زیرا هر عقدی معاهده طرفینی و بر هر دو طرف قرارداد استوار است. در نتیجه، عجز یکی از دو طرف مانند عجز هر دو طرف است (بجنوردی، ۱۳۸۶، ج ۵، ص. ۲۶۵). این سخن پذیرفتنی نیست. اگر یکی از دو طرف عقد از وفا به مضمون عقد و تعهداتش عاجز باشد، اما طرف دیگر بتواند آن را جبران و عقد را اجرا کند، دلیلی بر بطلان عقد وجود ندارد. مفاد و مضمون عقد و تعهدات حاصل از آن در این صورت قابل تحقق و اجراست و از جنبه عقل و عرف و اخلاق نیز کاملاً پذیرفتنی و از هرگونه غرر و جهالت و آسیب پنهانی به عدالت قراردادی مبرا است. تنها اتفاقی که رخ داده، تعهد یکی از دو طرف به همت طرف دیگر جبران و اجرا شده است و این موضوع در صورت جهل و ناآگاهی طرف جبران‌کننده از ناتوانی شخص متعهد، موجب حق خیار فسخ برای وی است تا هم حق وی در تحفظ بر قرارداد محفوظ بماند و این‌گونه از اصل پایداری قراردادهای صیانت بیشتری شده باشد و هم در برابر انجام ندادن تعهد طرف مقابل، امکان خروج از قرارداد و تعهدات قراردادی برایش محفوظ باشد؛ البته نسبت به اقدامات جبرانی که در فرض تحفظ بر قرارداد، انجام

داده یا دست‌کم نسبت به زیان‌های احتمالی که در اثر عجز متعهد از تعهداتش متوجه وی شده است، می‌توان بر اساس مبانی مسئولیت مدنی قائل به حق مطالبه جبران خسارت شد. به هر حال، تعذر یک طرف تعهد با امکان جبران از سوی طرف دیگر، اصلاً مصداقی برای تعذر وفا به مضمون عقد نیست، بلکه می‌تواند مصداق تعذر تسلیم باشد که با خیار تعذر تسلیم قابل جبران است (مؤمنی، ۱۳۹۸، ص. ۱۳۷). به نظر می‌رسد قاعده «تعذر وفا» منحصر در عذر اصلی نیست؛ زیرا وجهی برای این انحصار وجود ندارد. از این رو در عذر عارضی و طاری نیز جاری است؛ زیرا در عقود استمراری واقع بر عین (نه منفعت)، عقد مورد تعذر با سرنوشت انفساخ روبه‌رو است نه بطلان (مؤمنی، ۱۳۹۸، ص. ۱۳۸). از این رو باید قید بطلان را در این قاعده به معنای اعم از بطلان اصطلاحی و انفساخ اصطلاحی بدانیم (بجنوردی، ۱۳۸۶، ج ۵، ص. ۲۶۵).

اما تعسر از ریشه «عسر» در قرآن کریم در مقابل «یسر» قرار گرفته^۱ و از نظر لغوی نیز رابطه تقابلی معنایی دارند. قاعده فقهی «نفی عسر و حرج» افزون بر آیه ۱۸۵ سوره مبارکه بقره، برآمده از آیات و روایاتی است که عنوان «حرج» را از ساحت دین خارج دانسته است.^۲ در معنای «عسر» به قرینه همراهی واژه «حرج» در قاعده فقهی و تطبیق آن در روایات مورد اشاره بر موارد عسر، مطلق سختی (و لو اندک) مراد نیست و سختی شدید مورد نظر است؛ البته برخی واژه «عسر» و «حرج» را مترادف دانسته، اما برخی دیگر «حرج» را حالت شدید «عسر» دانسته‌اند؛ یعنی خصوص ضیق و تنگنای شدید (نراقی، ۱۳۷۵، ص. ۱۸۴)، اما نسبت به این مسئله که آیا عسر حرجی، سختی طاقت‌سوز است یا مطلق سختی شدید، به نظر می‌رسد با توجه به اطلاق واژه «حرج» و قرینه تطبیق بر موارد «عسر» بدون تقید به طاقت‌سوزی و نیز متناسب با شریعت سمحه و سهله^۳، مطلق سختی شدید معیار بحث است نه خصوص سختی شدید طاقت‌سوز؛ زیرا در موارد

۱. «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» (بقره، آیه ۱۸۵).

۲. «مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» (حج، آیه ۷۸)؛ «مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ» (مائده، آیه ۶) و روایات: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص. ۳۳ (باب الجبائر والقروح والجراحات)؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص. ۳۶۳ و باب صفة الوضوء والغرض منه،

ح ۲۷؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص. ۳۲۷ و ابواب الوضوء، باب ۳۹، ح ۵.

۳. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند «لَمْ يُرْسَلَنِي اللَّهُ تَعَالَى بِالرُّهْبَانِيَّةِ وَلَكِنْ بَعَثَنِي بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّهْلَةِ السَّمْحَةِ»؛ خدای تعالی مرا به رهبانیت برنیانگیخت، بلکه مرا به دینی با گذشت و آسان مبعوث فرمود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص. ۴۹۴).

سختی طاقت‌ناپذیر، اساساً مکلف از نظر عقلی معذور است؛ زیرا تکلیف بما لایطاق و امر غیرمقدور، قبیح عقلی است و در چنین مواردی قاعده شرعی نفی عسر و حرج به‌عنوان قاعده‌ای مولوی و تأسیسی موضوعیتی ندارد.

از لحاظ حقوقی نیز آنچه معیار عسر و حرج است، تحقق عرفی سختی شدید و غیرقابل چشم‌پوشی است نه تنها سختی طاقت‌ناپذیر. تبصره الحاقی ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی مصوب مجمع تشخیص مصلحت در ۱۳۸۱/۴/۲۹، عسر و حرج را وضعیت مشقت‌آوری دانسته است که تحملش مشکل باشد. بنابراین، آنچه در تعبیر برخی نویسندگان حقوقی آمده و عسر و حرج را به تحمل‌ناپذیری معنا کرده است (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ج ۱، ص. ۳۳۲)، چندان با صراحت قانونی نمی‌سازد و متناسب مشقت طاقت‌ناپذیر است؛ البته ایشان در بخشی دیگری مرادش را مطابق قانون روشن ساخته و اظهار داشته که ملاک «عسر» امری نوعی است؛ به‌گونه‌ای که در نظر عرف باید طاقت‌فرسایی (نه طاقت‌سوزی) و مشقت‌باری شکل بگیرد (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ج ۱، ص. ۳۳۳). برخی دیگر از اساتید در تعریف «عسر» مطلق مضیقه و سختی را معیار تحقق «عسر» دانسته‌اند نه سختی شدید را. استاد جعفری لنگرودی می‌نویسد «حالت تنگنا در عمل کردن به الزامات قانونی است که اگر عمل کند به مضیقه و سختی درافتد» (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۰، ج ۴، ص. ۲۵۳۹)، اما به نظر می‌رسد همگی بر همان سختی شدید و طاقت‌فرسا توافق داشته باشند. خلاصه سخن، تمایز این دو وضعیت به امکان اجرای قرارداد و عدم امکان آن حتی با سختی شدید بازمی‌گردد. این همان تمایز میان «فورس‌ماژور» در عدم اجرای تعهد و «هاردشیپ»^۱ به معنای دشوار شدن اجرای تعهد، مطابق مقررات «یونیدروا» است (شریفی و صفری، ۱۳۸۹، ص. ۴).

۲. انواع عذر قراردادی در فقه امامیه و حقوق ایران

با تتبع در نظام حقوقی ایران و فقه امامیه با ۱۴ عنوان عذر روبه‌رو هستیم. برخی از این عناوین مانند «عذر موجه» و «عذر غیرموجه» بیان‌کننده تقسیم کلی آن به دو بخش پذیرفتنی و ناپذیرفتنی از نظر فقهی و حقوقی است. همچنین، عذر خارجی غیر از عذر قانونی و تکوینی و

1. Hardship

عذر داخلی غیر از عذر شخصی و خاص نیست و هم‌پوشانی دارد، اما اولاً، به دلیل ارائه نظامی جامع از مقوله عذر و ثانیاً، به دلیل رأی دیوان عالی کشور به شماره ۶۴۴ در خصوص ناتوانی مستأجر از بهره‌برداری از عین مستأجره که مرزبندی میان عذر خارجی و داخلی است، به این دو نیز به طور مستقل می‌پردازیم. عنوان «عذر عام» نیز دارای دو نوع واقعی و ملاکی است که بر این عدد می‌افزاید. انواع عذر در دو ساحت کلی تعذر یا عدم امکان اجرای تعهد و قرارداد و تعسر یا سختی شدید اجرای تعهد و عقد قابل ترسیم است. بنابراین، از ضرب چهارده نوع در دو بخش مزبور به ۲۸ عنوان عذر می‌رسیم، اما برای پرهیز از زیاده‌نویسی، تنها به تعریف انواع ۱۴ گانه اکتفا می‌کنیم و نسبت به دو بخش تعذر و تعسر، به تبیین کلی، آن‌چنان که گذشت، بسنده می‌کنیم؛ زیرا تطبیق و پیاده‌سازی انواع ۱۴ گان در این دو ساحت، ابهام و چالشی به همراه ندارد.

۳. وجوه معیار تقسیم عذر

عذر در ساحت حقوق قراردادهای از ابعاد زیر شایان تقسیم است. این ابعاد هر یک معیاری برای نظام طبقه‌بندی عذر است.

۱. از بُعد ملاک عذر؛ عذر شخصی یا نوعی.
 ۲. از بُعد زمان بروز؛ عذر اصلی و ابتدایی یا عارضی و طاری.
 ۳. از بُعد مدت بقا؛ عذر دائمی یا موقت.
 ۴. از بُعد سبب پیدایش؛ عذر تکوینی و عقلی یا اعتباری و قانونی.
 ۵. از بُعد فراگیری؛ عذر خاص یا عام.
 ۶. از بُعد قلمرو پیدایش؛ عذر داخلی یا عذر خارجی.
 ۷. از بُعد وجاهت؛ عذر موجه یا غیرموجه.
- در ادامه، به معرفی هر یک از این انواع می‌پردازیم.

۱.۳. عذر شخصی

«عذر شخصی» مربوط به شخص خاص متعهد است (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص. ۳۹۹). برای مثال، در صورت تعذر و عدم امکان ادای مثل در ضمان «مثلی»، انجام مسئولیت با پرداخت قیمت صورت می‌گیرد. در کشف ملاک این تعذر بحث از تعذر شخصی مطرح شده است (خوبی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص. ۱۶۷). عذر شخصی در قراردادها به روشنی قابل رصد است. در عقد

اجاره، شخص طرف قرارداد گاه با عذر شخصی روبه‌رو و از تعهد ناشی از قرارداد یا استیفای آن عاجز می‌شود. در چنین موردی با عنوان عذر شخصی مواجهیم (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۲، ج ۴، ص. ۳۹۹). اگر مستأجر به دلیل عذر شخصی از انتفاع مورد اجاره ناتوان شود، این عذر به دلیل شخصی بودن، نقضی بر اصل لزوم قرارداد نیست و سبب بطلان یا حق فسخ برای مستأجر نمی‌شود (ترحینی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص. ۳۸۹). بنابراین، تکلیف موجر مطابق ماده ۴۷۷ قانون مدنی پس از تسلیم عین مستأجره و فراهم کردن وسایل انتفاع برای مستأجر خاتمه می‌پذیرد. از این‌رو پس از آن، زایل کردن هرگونه عذر شخصی از مستأجر متوجه موجر نیست. برای مثال، رفع مزاحمت اشخاص ثالث تکلیفی نیست که به استناد ماده مزبور بتوان متوجه موجر دانست (کاتوزیان، ۱۳۸۵ الف، ص. ۳۴۸).

عذر شخصی در بسیاری موارد با عذر خاص هم‌پوشانی دارد و در «عذر خاص» به آن خواهیم پرداخت.

۲.۳. عذر نوعی

با تکیه بر «حرج نوعی» در تعریف عذر نوعی گفته شده «عذری است که شامل همه مردم نمی‌شود و چه بسا نسبت به عده‌ای از مردم، اگرچه اندک، جنبه بازدارندگی و تعذر ندارد. به بیان دیگر، عذری است که به‌طور متعارف دامن‌گیر توده مردم است، ولی شامل همگان و لزوماً همیشگی نیست» (مؤمنی، ۱۳۹۸، ص. ۴۵).

ماده ۳۴۱ قانون مدنی ظرفیت بیع سلم را به‌صورت تعیین اجل برای تسلیم تمام یا قسمتی از مبیع در نظر گرفته است. حال اگر بایع ناتوان از تسلیم شود، برای مشتری خیار فسخ ایجاد می‌شود. ظهور این ناتوانی در عذر نوعی و عجزی نامتعارف است که توده مردم معمولی در برابر آن عاجزند (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص. ۲۳۶).

گفتنی است که تحقق عذر غیرشخصی لزوماً به معنای عذر نوعی نیست. توضیح سخن در عذر خاص خواهد آمد.

۳.۳. عذر اصلی یا ابتدایی

عذر اصلی یا ابتدایی در برابر عذر طاری یا عارضی قرار دارد. از نگاه فقهی موانع پدیدآمده چه از ابتدا وجود داشته باشد و چه پس از ایجاد تعهد و به‌طور ناگهانی بروز کند، در شمار عذر است.

این تقسیم هم در قلمرو عقود و ضمان معاوضی و حتی مسئولیت قراردادی و هم در ضمان غیرمعاوضی دیده می‌شود.

محقق نایینی تعذر در آغاز ایجاد ضمان را عذر ابتدایی و بعد از تحققش را طاری نامیده است (نایینی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص. ۳۴۷). عذر ابتدایی در عقد که موضوع آن را منتفی کند، بطلان عقد را رقم خواهد زد (خویی، ۱۴۱۴ق، ص. ۲۹۷). مطابق ماده ۳۴۸ قانون مدنی، منع قانونی از بیع موجب بطلان آن است. به حکم وحدت ملاک، قاعده کلی در نظام حقوقی بر همین معنا استوار است؛ البته گاه مانع ابتدایی چون موجد حق برای شخص ثالث است، عقد مزبور یا غیرنافذ است و با عدم اجازه ذی حق باطل می‌شود مانند عقد فضولی (ماده ۳۵۲ قانون مدنی) یا از جانب وی قابل فسخ است یا می‌تواند از دادگاه حکم فسخ قرارداد یا تخلیه را درخواست کند. بند نخست ماده ۱۴ قانون روابط موجد و مستأجر سال ۱۳۵۶، این حق را به موجد می‌دهد که در مورد زیر از دادگاه، حکم فسخ اجاره یا تخلیه را درخواست کند؛ یعنی در موردی که مستأجر بدون داشتن حق انتقال به غیر در اجاره‌نامه یا در موردی که اجاره‌نامه‌ای در کار نباشد، مسکن مورد اجاره را در اختیار و تصرف و استفاده اشخاصی غیر از افراد تحت کفالت قانونی خود قرار دهد یا به آن‌ها واگذار کند. همچنین، تبصره ۱ ماده ۱۹ قانون مزبور در خصوص حق کسب و پیشه در صورت انتقال مورد اجاره از سوی مستأجر بدون رعایت مفاد ماده فوق، به موجد حق درخواست تخلیه می‌دهد و حکم تخلیه علیه متصرف یا مستأجر اجرا خواهد شد. ماده ۴۱ لایحه اصلاحی قانون تجارت سال ۱۳۴۷، از مشروط بودن نقل و انتقال سهام به موافقت مدیران یا مجامع عمومی در شرکت‌های سهامی عام منع می‌کند. بنابراین، انتقال سهام در شرکت‌های سهامی عام باید کاملاً آزاد باشد و چون این ماده از قوانین امری است، هرگونه توافق و قراردادی برای ایجاد محدودیت در انتقال سهام و اشتراط آن ممنوع است و نمی‌توان در اساسنامه خلاف آن را مقرر کرد (اسکینی، ۱۳۸۴، ج ۲، صص. ۶۵ و ۶۶). در واقع، چنین شرطی از آغاز باطل است، اما به استناد مفهوم مخالف ماده یادشده، در اساسنامه شرکت‌های سهامی خاص غالباً چنین شرطی نسبت به مصوبه هیئت‌مدیره پیش‌بینی می‌شود و بدون این مصوبه انتقال سهام ممکن نخواهد بود و هرگونه عملیاتی در شکل هر گونه قراردادی برای این انتقال، محکوم به بطلان است. مطابق آیین‌نامه قانون معادن سال ۱۳۹۰ همراه با اصلاحات اخیر، انتقال پروانه اکتشاف تنها یک بار با رعایت مفاد این آیین‌نامه

(ماده ۲۷) و انتقال پروانه بهره‌برداری (ماده ۴۷) منوط به موافقت وزارتخانه مربوط است. پس در صورت عدم موافقت، هرگونه عملیات انتقال در قالب هرگونه قراردادی، چه در شکل بیع یا غیر آن، غیرممکن و باطل است. بر اساس مفهوم مخالف قسمت اخیر ماده ۴۸۰ قانون مدنی، اگر هنگام تشکیل عقد اجاره، سبب فسخ مانند غبن یا تدلیس وجود داشته باشد، حق خیار فسخ نسبت به تمام مدت ثابت است و عقد به واسطه فسخ، از آغاز منحل می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۵ الف، ص. ۳۴۸).

۴.۳. عذر طاری یا عارضی

بروز این عذر در صورت گذشت زمانی که برای انجام دادن تعهد کافی است، سبب بطلان یا انفساخ قرارداد نیست و شخص متعهد را در گروی تعهدش نگه می‌دارد و به دلیل تعذر اجراء، ذی‌نفع حق جبران خواهد داشت مانند خیار تعذر تسلیم (مؤمنی، ۱۳۹۸، ص. ۴۶)، اما در غیر این صورت می‌تواند بطلان یا انفساخ عقد را رقم بزند یا حق خیار فسخ را ایجاد کند (خویی، ۱۴۱۴ق، ص. ۲۹۷). بهره‌برداری مشروع ملک مجاور در اثنای مدت اجاره به‌گونه‌ای که استفاده مورد نظر در اجاره را غیرممکن سازد و امکان منع و رجوع به وی نیز ممکن نباشد، سبب ایجاد حق فسخ برای مستأجر می‌شود مانند احداث میدان تیر ارتش و بهره‌برداری در این باره در کنار ساختمان اجاره‌ای به‌منظور استراحت بیماران (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ج ۱، ص. ۳۹۹).

۵.۳. عذر دائمی

دوام عذر در حقوق قرارداد نسبت به طول مدت تعهد و اجرای آن قرارداد تعریف می‌شود. مسئله تعذر در لزوم بدل حیلولة می‌تواند به حوزه قراردادهای نیز ارتباط یابد. در موردی که کالای خریداری شده مستحق للغير باشد و موضوع ضمان درک شکل بگیرد، می‌تواند ظرفیتی برای بدل حیلولة باشد. در بدل حیلولة تعذر رخ داده، گاه دائمی و گاه موقت و مقطعی است (نایینی، ۱۴۳۱ق، ج ۱، ص. ۳۴۹). از این رو تعذر موقت که یأس از رد عین را در پی ندارد و امید به باز گرداندن عین مال موجود است، برای اجرای ذیل ماده ۳۱۱ قانون مدنی و حکم به بدل حیلولة کافی است (کاتوزیان، ۱۴۰۰، ج ۲، ص. ۲۴۶). ملاک تجویز بدل حیلولة که از لحاظ حائل شدن غاصب میان مالک و مال اوست (کاتوزیان، ۱۳۸۵ ج، ص. ۱۶۳)، قرینه‌ای گویا بر عدم لزوم دائمی بودن مانع مزبور است؛ زیرا نه شرعاً و نه عقلاً و نه عرفاً برای تحقق حائل، قید دوام شرط

نیست. مقصود از تعذر و منع در ماده ۳۱۱ قانون مدنی، لزوماً تعذر عقلی نیست و شامل تعذر عرفی نیز می‌شود. امکان عقلی رد تیر آهن مغضوب به‌کاررفته در بنای سازه‌ای بلندمرتبه وجود دارد، اما مبتنی بر منطق انصاف، از دیدگاه حقوقی به دلیل اتلاف بیهوده مال و ضرر غیروجیه به مالک ساختمان، تعذر عرفی موجود به‌منزله تعذر عقلی است؛ زیرا منافع عمومی نیز باید در عین تحفظ بر حقوق خصوصی، از حمایت کافی و مناسب برخوردار باشد (کاتوزیان، ۱۴۰۰، ج ۲، صص ۲۴۵ و ۲۴۶). به نظر می‌رسد مخالفت ماده ۳۱۱ قانون مدنی و مشهور فقها (کاتوزیان، ۱۴۰۰، ج ۲، ص. ۲۴۶) در این خصوص، به دلیل مبارزه جدی با غضب و منع گسترده از هرگونه ظلم مالی است.

اما تعذر دائمی که مستقیماً در ساحت قرارداد و اجرای آن دخیل باشد، نه به‌واسطه عنوانی مثل بدل حیلوله در ماده ۲۲۹ قانون مدنی ایران و ماده ۱۱۴۸ قانون مدنی فرانسه^۱، به‌صراحت آمده است. مطابق مواد یادشده، در فرض عدم امکان دائمی اجرای قرارداد در اثر فورس‌ماژور (قوه قاهره)، قرارداد مزبور منحل و تعهد ساقط می‌شود (مومنی، ۱۳۹۸، ص. ۴۶) و پرداخت هیچ‌گونه خسارتی متوجه شخص متعهد نیست. اگر در طول مدت عقد مزارعه، زمین به‌واسطه مانعی مثل غرق آب شدن یا دیگر موانع از امکان زراعت خارج شود، عذر دائمی شکل گرفته است.

۶.۳. عذر موقت

عذر موقت در برابر دائمی، مفهومی نسبی است. غرق آب شدن زمین در طول مدت عقد مزارعه، عذری دائمی و در همان حال نسبت به مزارعه دیگر که پاره‌ای از مدت مزارعه را دربر گرفته، عذر موقت است (حلی (علامه)، ۱۴۱۴ق، ج ۱۸، ص. ۳۹۵). ماده ۵۲۷ قانون مدنی مقرر داشته است اگر زمین به‌واسطه فقدان آب یا دیگر عواملی از این دست، از امکان انتفاع خارج شود و امکان رفع مانع نیز وجود نداشته باشد، عقد مزارعه منفسخ می‌شود. از حکم انفساخ و نیز نوع ساختار کلامی ماده مزبور روشن است که عذر شکل گرفته، از آغاز ایجاد عقد مزارعه وجود نداشته و در اثنای آن رخ داده است. بنابراین، سخن در عذر موقت است. لازمه این معنا آن است که اگر عذر مزبور

1. Art. 1148: There is no occasion for any damages where a debtor was prevented from transferring or from doing that to which he was bound, or did what was forbidden to him, by reason of force majeure or of a fortuitous event.

از آغاز تشکیل عقد وجود می‌داشت، اساساً عقدی شکل نمی‌گرفت و از بدو پیدایش محکوم به بطلان بود؛ زیرا به حکم ماده ۵۲۳ قانون مدنی، زمین مورد عقد مزارعه باید قابلیت زرع مقصود را داشته باشد.

در بروز عذر و مانع موقت، مستأجر به استناد مواد ۴۷۶ و ۴۸۵ قانون مدنی و به دلیل تعذر تسلیم، حق فسخ قرارداد را دارد. نویسندگان حقوق، مانع موقتی را که پس از برطرف شدنش، اجرای قرارداد هنوز فایده خود را حفظ کرده و منطبق با اراده طرفین است، موجب تعلیق اجرا دانسته و قرارداد را مجدداً واجد اثر دیده‌اند. «مارتی»^۱ و «رینو»^۲ بخشی از قراردادهای کلانی را که در اثر بروز جنگ اجرائی معلق شده و پس از خاتمه جنگ هنوز دارای قابلیت اجراست، از این سنخ دانسته‌اند (صفایی، ۱۳۷۵، ص. ۴۰۹). بر اساس مصوبه جلسه ۱۳۹۹/۸/۱۴ هیئت وزیران، از آنجاکه اعمال محدودیت‌های ستاد ملی مقابله با کرونا، امکان انتفاع از امکان استیجاری به ترتیب و میزان مقرر شده در قرارداد اجاره را منتفی ساخت، دستگاه‌های اجرایی می‌توانستند از اجاره‌بهای امکانی که به بخش خصوصی داده بودند همه یا قسمتی را به تناسب میزان منتفی شده از امکان انتفاع تا پایان اسفند سال ۱۳۹۹ دریافت نکنند؛ البته دستگاه‌های اجرایی مکلف به اعمال این مصوبه بودند. مطابق نظریه ۱۶۴۱۵۰-۱۴۰۰/۱۲/۱۷ معاونت حقوقی ریاست جمهوری، عبارت «می‌توانند» در متن مصوبه مزبور به معنای اختیار دستگاه‌های اجرایی در عدم رعایت آن نیست و تنها به معنای اختیار دستگاه مزبور در تطبیق موضوع با حکم است.

۷.۳. عذر تکوینی یا عقلی

عذر تکوینی یا عقلی (نایینی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص. ۳۴۷) که گاه با عنوان عذر و مانع و علت خارجی شناخته می‌شود (نایینی، ۱۴۳۱ق، ج ۱، ص. ۳۰۹)، مانعی در متن عالم تکوین است و عقل به‌طور مستقل مانعیتش را درک می‌کند. مسدود شدن راه به سبب برف سنگین در مواجهه با اجاره وسیله نقلیه برای پیمودن آن (شهید ثانی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص. ۳) یا نابودی مثل در کالای مثلی مورد ضمانت (نایینی، ۱۴۳۱ق، ج ۱، ص. ۳۰۹)، هر دو عذری تکوینی و عقلی است. از این رو بر اساس مفاد ماده ۴۸۳ و ملاک ماده ۴۸۸ قانون مدنی، هرگاه (بعد از تشکیل قرارداد)، حوادث

1. Marty
2. Raynaud

قهری و طبیعی سبب تلف عین مستأجره شود، قرارداد اجاره منفسخ می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۵ ب، ج ۱، ص. ۱۹۴).

۸.۳. عذر اعتباری یا قانونی

پیدایش مانع اگر از منظر عرف یا شرع یا قانون و مانند آن باشد، عذری اعتباری است و در طبقات عذر عرفی یا عادی (نایینی، ۱۴۳۱ق، ج ۱، ص. ۳۴۲)، عذر و مانع شرعی (نایینی، ۱۴۳۱ق، ج ۱، ص. ۳۰۹) و عذر قانونی قرار می‌گیرد. در ضمانت‌های عینی، اگر در فرض تلف، مثل مال یافت شود، اما در نگاه عرفی از مالیت و ارزش مالی ساقط شده باشد، مانع عرفی شکل گرفته و مصداقی برای تعذر عرفی فراهم آمده است (نایینی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص. ۳۴۷). موانع قانونی حکومت‌ها از سنخ عذر اعتباری و قانونی است (سبزواری، ۱۴۱۶ق، ج ۱۹، ص. ۸۰). خریدوفروش سرکه‌ای که در متن قرارداد توافق شده است به شراب تبدیل شود، با مانع شرعی صحت عقد بیع مواجه است (نایینی، ۱۴۳۱ق، ج ۱، ص. ۳۰۹). منع قانونی و شرعی از خریدوفروش مشروبات الکلی در شمار عذرهای اعتباری است که از اصل تشکیل عقد و صحت قرارداد ممانعت می‌کند. ماده ۳۴۹ قانون مدنی، منع قانونی از صحت بیع وقف است، اما ماده ۳۵۲ این قانون را نباید مانع نفوذ عقد فضولی دانست، بلکه ارشاد به عدم تحقق بند نخست از ماده ۱۹۰ درباره شرایط صحت معامله است؛ هرچند فقدان شرط قانونی، نوعی از تحقق مانع قانونی است. حقوق‌دانان موانع قانونی را به‌عنوان یکی از موارد قوه قاهره و فورس‌ماژور در نظر دارند (مؤمنی، ۱۳۹۸، ص. ۵۱)؛ چه‌بسا بعد از تشکیل قرارداد، به‌واسطه تغییر مقررات، انجام دادن تعهد با مانع قانونی روبه‌رو و غیرممکن شود. از این‌رو در همه نظام‌های حقوقی، ناظر بر فورس‌ماژور و نهادهای مشابه، افزون‌بر عدم امکان مادی و فیزیکی، به عدم امکان حقوقی و قانونی هم توجه دارند (صفایی، ۱۳۷۵، صص. ۴۱۷ و ۴۱۸).

۹.۳. عذر خاص

عذر خاص در بسیاری موارد با عذر شخصی هم‌پوشانی دارد. این دو عنوان از لحاظ ویژگی خاص شخص معذور به هم شباهت دارند. وقتی یکی از دو طرف قرارداد، شخصی خاص باشد نه گروه و عنوانی عام، در این صورت اگر وی با عذری مختص وی در اجرای قرارداد مواجه شود، عذر شخصی خاص رخ داده است؛ زیرا عذر رخ داده مختص شخص طرف قرارداد است، اما تمایز

این دو نوع عذر زمانی آشکار می‌شود که طرف قرارداد گروهی باشند که مورد عذر واقع شده‌اند. به بیان روشن، عذر شخصی همواره مختص به شخص خاصی است، ولی عذر خاص نسبت به افراد مجموعه‌ای عمومیت دارد و درعین حال، به دلیل اختصاصش به آن مجموعه، عذری خاص به شمار می‌آید و از عذر شخصی جدا می‌شود.

وقتی شخص خاص مستأجر با عذر و مانع استیفا از مورد اجاره روبه‌رو می‌شود، عذر خاص شخصی اتفاق افتاده است مانند سرقت تمام کالاهای وی و عدم امکان جایگزینی آن‌ها در اجاره معارضه به منظور همان نوع کسب (شهید ثانی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۲). حال اگر گروه مستأجران در چنین اجاره‌ای با این وضعیت روبه‌رو شوند؛ به گونه‌ای که در فرض جایگزینی گروهی دیگر، مانع برطرف شود و برای آن‌ها امکان تهیه کالاها دوباره فراهم باشد، «عذر خاص غیرشخصی» روی داده، اما عذر نوعی شکل نگرفته است؛ زیرا ویژگی بازندارندگی عذر از سویی نسبت به نوع و توده مردم نیست و مخصوص طرفین قرارداد یا یکی از آن‌هاست و از سوی دیگر، مربوط به شخص خاص در طرفین قرارداد هم نیست، بلکه گروه واقع در دو طرف را دربرمی‌گیرد. به هرروی، در عذر خاص مستأجر، چه عنوان عذر شخصی محقق باشد چه نباشد، نقضی بر اصل لزوم عقد وارد نمی‌شود و بطلان یا حق فسخی شکل نمی‌گیرد (ترحینی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۳۸۹). همچنین، کسی که برای سفر به خارج از کشور در روز حرکت، ممنوع‌الخروج می‌شود، با عذر خاص مواجه است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۱۷) و قرارداد خرید بلیت در مواجهه با چنین عذری محکوم به بطلان یا انفساخ نیست.

۱۰.۳. عذر عام

مانعی که از اراده و اقتدار همه خارج است و بازندارندگی عمومی دارد و اجرای قرارداد را ناممکن می‌سازد، عذری عام است و در عقد اجاره برای مثال، اختصاص به شخص مستأجر ندارد و هرکس دیگری نیز که بخواهد استیفاي منافع کند، توان عبور از آن مانع را ندارد. در مثال سفر هوایی، اگر در مبدأ یا مقصد کودتا اتفاق بیفتد و پرواز هواپیما متوقف شود، عذر عام رخ داده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۱۷) و قراردادهای خرید بلیت بر اساس عدم امکان اجرای تعهد پرواز و حمل و نقل محکوم به بطلان است. برخلاف نظر صاحب الفارق، معیار عام بودن عذر به دلیل شمولش نسبت به موجد و مستأجر نیست، بلکه ملاک عمومیت عذر، شمولش نسبت به

همگان حتی غیر طرفین اجاره است (مؤمنی، ۱۳۹۸، ص. ۵۰). خشک‌سالی در کشاورزی نسبت به عقد مزارعه و شدت وزش باد به گونه‌ای که باعث فرو ریختن و از بین رفتن میوه درختان شود نسبت به عقد مساقات، عذر عام است (سبزواری، ۱۴۱۶ق، ج ۱۹، ص. ۷۹) و به استناد مواد ۵۲۷ و ۵۴۵ قانون مدنی، قرارداد مزارعه و مساقات منفسخ می‌شود. به موجب قاعده کلی، هر وضعیتی که انتفاع و بهره‌برداری از مورد اجاره را ناممکن سازد و هدف مطلوب از عقد را عقیم و انتفاع را معطل کند، به حسب مورد، به بطلان یا انفساخ عقد می‌انجامد. زمینی که به منظور زراعت اجاره داده می‌شود، اما پیش از تسلیم، در آب غرق شود و زراعت ناممکن شود، با انفساخ قرارداد روبه‌روست؛ هرچند دیگر انتفاعات از آن ممکن باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ج ۱، ص. ۳۸۹).

موانع قانونی که حکومت‌ها نسبت به عموم مردم حاکم می‌کنند، عذری عام است. عقد مزارعه برای کشت محصولی خاص، در صورت تصویب و ابلاغ قانون منع کشت آن محصول، با عذر عام مواجه است (سبزواری، ۱۴۱۶ق، ج ۱۹، ص. ۸۰). در دائرةالمعارف حقوق آمریکای، ذیل عنوان «عدم امکان قانونی»، به جنبه تجاوز به نظم عمومی در صورت اجرای قرارداد در چنین شرایطی توجه شده است (Corpus Juris Secundum, 1953, p.634). این معنا تبیین اجتماعی عمومیت عذر در منع قانونی است که افزون بر معیار مقهوریت عامه مردم نسبت به قانون حاکم، معیار حقوقی قابل قبولی است. در فقه امامیه ذیل عنوان عام «خوف و ترس» که افزون بر شخص متعهد دامن‌گیر دیگران نیز باشد (عذر عام)، می‌توان موارد بحرانی مثل «انقلاب»، «شورش‌های مردمی» و «آشوب‌های خیابانی» را به عنوان عذر رافع مسئولیت مورد توجه قرار داد. صاحب جواهر در خصوص عقد اجاره منزل برای سکونت در شهری که پس از تشکیل عقد، ترس عمومی از اقامت در آن شهر به وجود آمده است، حق خیار فسخ را برای مستأجر ثابت می‌داند (نجفی، ۱۳۴۷، ج ۲۷، ص. ۳۱۲).

۱۱.۳. عذر داخلی

خصوصیت داخلی و خارجی از مقولات ذات اضافه و وابسته به موضوعی است که در قیاس به آن شکل می‌گیرد. برای مثال، درباره «هاردشیپ» یا سختی اجرای قرارداد در نظام حقوق قراردادهای

تجاری بین‌المللی که مفهومی شبیه یا قاعده‌ای مبتنی بر «عسر و حرج» یا «غبن حادث» یا «شرط صفت ضمنی» با توجه به اختلاف آرای حقوق دانان است (شریفی و صفری، ۱۳۸۹، ص. ۸)، ملاک این است که اگر عسر و حرج از خود قرارداد و شرایط پیرامونی آن ناشی شود، در قالب نظریه «هاردشیپ» پذیرفته می‌شود، اما اگر از تغییر شرایط خارجی مانند ضعف شدن وضعیت مالی شخص متعهد پدید آید، پذیرفتنی نیست (Thampapillai et al, 2012, p. 553). بنابراین، داخلی بودن در نظریه «هاردشیپ» به معنای حوزه عقد و شرایط پیرامونی آن است. از این رو ضعف مالی شخص متعهد به عنوان موضوعی خارجی قلمداد می‌شود و این برخلاف نظام حقوقی ایران ذیل ماده ۴۷۷ قانون مدنی است که در توضیح عذر خارجی روشن خواهد شد.

۱۲.۳. عذر خارجی

در توضیح عذر داخلی دانسته شد که ویژگی داخلی و خارجی بودن، موضوعی نسبی و ذات‌الاضافه است. برای مثال، گاه این ویژگی نسبت به توان و عجز شخصی فرد در نظر گرفته می‌شود. ماده ۴۷۷ قانون مدنی در امکان استفاد مطلوب مستأجر از عین مستأجره، نظر به موانع خارجی از قبیل سیل و زلزله دارد، اما موانع شخصی که در قلمرو مسئولیت‌های شخص مستأجر است مانند حجر و ورشکستگی و بیماری، سبب بطلان یا حق فسخ عقد اجاره برای وی نیست (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ج ۱، ص. ۳۸۹). بر همین اساس، در رأی شماره ۶۴۴ شعبه ۴ دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۱۷/۳/۱۱، ناتوانی مستأجر در بهره‌برداری از عین مستأجره به دلیل بیماری وی، عذر داخلی شمرده شده است در برابر منع قانونی به عنوان مانع خارجی مانند «زهتایی». در این رویکرد، عذر خارجی در مجموعه عذر تکوینی یا اعتباری تعریف می‌شود و عذر داخلی در مجموعه عذر خاص یا شخصی. مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی در بیان علت و حادثه خارجی، اشاره‌ای گویا به عذر خارجی است.

۱۳.۳. عذر موجه

عذرهای دارای اثر حقوقی مانند آنچه گذشت، عذر موجه است. برای مثال، مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی به تبع نظام فقهی (شهید ثانی، ۱۳۶۹، ج ۲، صص. ۲ و ۳؛ نائینی، ۱۴۳۱ق، ج ۱، ص. ۳۰۹)، علل خارجی و حوادث ناگهانی را مانع اجرای قرارداد و عذری موجه در رفع مسئولیت قراردادی به شمار آورده است.

۱۴.۳. عذر غیرموجه

عذرهای غیرقابل استناد از منظر حقوقی غیرموجه است و نسبت به عقود و قراردادهای تأثیری ندارد، اما از آنجاکه وجاهت عذر موضوعی نسبی است، از این رو عذرهای خاص با آنکه نمی‌تواند انحلال عقد اجاره را در پی داشته باشد، ولی در شرایطی خاص دارای وجاهت حقوقی است. برای مثال، عذر خاص اگر از سنخ علت خارجی و حادثه ناگهانی باشد مانند حادثه سرقت پیش‌بینی‌ناپذیر و اجتناب‌ناپذیر، در موارد نقض تعهد، رافع مسئولیت قراردادی است، اما موجب انحلال اجاره نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

در حقوق ایران به تبع فقه امامیه به هر دو وضعیت عدم امکان اجرای تعهدات (تعذر) و سختی شدید اجرای آن (تعسر) توجه شده است و به تناسب وضعیت پیش‌آمده از شخص متعهد رفع مسئولیت می‌شود. در عین حال، بروز وضعیت «تعذر» یا «تعسر» به نوع عذر و مانع شکل‌گرفته بستگی دارد و برای سامان دادن به این موضوع، از جهات گوناگون به تقسیم «عذر» اقدام شده و این عامل نه تنها در مقام اجرای تعهدات، بلکه در مقام تشکیل قرارداد نیز مورد توجه واقع شده و در نهایت، ۱۴ نوع عذر و مانع در دو وضعیت «تعذر» و «تعسر» تعریف شده است که در مجموع، ۲۸ وضعیت عذرآور را شکل می‌دهد و در هر یک به تناسب وضع موجود، احکام بطلان و انفساخ عقد و حق فسخ و تعدیل قرارداد جاری است. بنابراین، در فقه امامیه و حقوق ایران نمی‌توان به مجرد بروز عذر و مانع با شتاب‌زدگی به قاعده کلی «عسر و حرج» یا به قاعده «تعذر وفا» و «حادثه و علت خارجی» یا به دیگر قواعد مانند «عذر عام» استناد کرد، بلکه باید حتماً در تشخیص و تفکیک وضعیت عذرآور موجود نسبت به دیگر وضعیت‌ها کمال دقت را به خرج داد و به نوع عذر و زمان بروز آن و وضعیت طاقت‌فرسایی یا طاقت‌سوزی آن و نیز به فراگیری عذر و عدم آن، شخصی یا خاص بودن و دیگر خصوصیات پیش‌گفته توجه کرد.

منابع

- ۱) ابن منظور، ابوالفضل (۱۴۰۸ق). لسان العرب. (جلد ۴). چاپ ۳، بیروت: دارالفکر.
- ۲) اسکینی، ربیعا (۱۳۸۴). حقوق تجارت (جلد ۲). چاپ ۷، تهران: سمت.
- ۳) انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق). کتاب المکاسب (جلد ۳). چاپ ۱، قم: کنگره جهانی شیخ انصاری.
- ۴) بجنوردی، سیدمحمدحسن (۱۳۸۶). القواعد الفقهیه. (جلد ۵). چاپ ۳، قم: دلیل ما.
- ۵) ترحینی، محمدحسین (۱۳۸۹). الزبدة الفقهیه (جلد ۵). چاپ ۴، بیروت: دارالفقه.
- ۶) جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸). الفارق (جلد ۴). چاپ ۲، تهران: گنج دانش.
- ۷) جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۴۰۰). مبسوط در ترمینولوژی حقوق (جلد ۴). چاپ ۸، تهران: گنج دانش.
- ۸) جمعی از پژوهشگران زیر نظر سیدمحمود هاشمی شاهرودی (۱۳۸۲). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم السلام). (جلد ۴). چاپ ۱، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.
- ۹) جمعی از پژوهشگران زیر نظر سیدمحمود هاشمی شاهرودی (۱۴۲۳ق). موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت (جلد ۴). چاپ ۱، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.
- ۱۰) حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. چاپ ۱، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
- ۱۱) حلی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ق). تذکره الفقهاء (جلد ۱۸). چاپ ۱، قم: آل البيت (علیهم السلام).
- ۱۲) خوبی، سیدابوالقاسم (۱۳۷۱). مصباح الفقاهة. (جلد ۳). چاپ ۳، قم: وجدانی.
- ۱۳) خوبی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۴ق). مستندالعروة الوثقی؛ کتاب الاجارة. چاپ ۱، قم: لطفی.
- ۱۴) دارایی، محمدهادی (۱۳۹۴). مطالعه تطبیقی معاذیر اجرای قرارداد در حقوق انگلیس، آمریکا و ایران. مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۶، شماره ۱، صص. ۱۰۷-۱۵۰. doi: 10.22059/jcl.2015.54405
- ۱۵) روحی، الهام و مرادی، میثم (۱۴۰۰). بررسی مقایسه‌ای نظریه هاردشیپ، فورس‌ماژور و عقیم شدن قرارداد. فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین، سال ۲، دوره ۲، شماره ۶، صص. ۷۳-۹۵. doi: 10.22034/jaml.2021.246512
- ۱۶) زنگنه شهرکی، جعفر و حسین‌پور، علی (۱۴۰۰). تأثیر حدوث عذر عام بر عقد مزارعه از منظر فقه و حقوق. جستارهای فقهی و اصولی، ۱۷(۱)، صص. ۱۶۵-۱۹۴.
- ۱۷) سبزواری، سیدعبدالاعلی (۱۴۱۶ق). مهذب الاحکام (جلد ۱۹). چاپ ۴، قم: مؤسسه المنار.
- ۱۸) شریفی، سیدالهام‌الدین و صفری، ناهید (۱۳۸۹). مطالعه تطبیقی اثر هاردشیپ (عسر و حرج) در اصول حقوق قراردادهای اروپای (PECL)، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی (یونیدروا) و حقوق ایران. حقوق تطبیقی، ۷۹، جلد ۵، شماره ۲، صص ۳-۲۴.

- ۱۹) شهید ثانی، زین‌الدین (۱۳۶۹). الروضة البهیة (جلد ۲). چاپ ۱، قم: علامه.
- ۲۰) صادقی مقدم، محمدحسن (۱۳۷۹). تغییر در شرایط قرارداد. چاپ ۱، تهران: دادگستر.
- ۲۱) صفایی، سیدحسین (۱۳۷۵). مقالاتی درباره حقوق مدنی و تطبیقی. چاپ ۱، تهران: میزان.
- ۲۲) طوسی، محمدبن حسن (۱۴۰۷ق). تهذیب الاحکام (جلد ۷). چاپ ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۲۳) عبد الرحمن، محمود. (بی تا). معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیه. بی جا.
- ۲۴) فرخانی، هدایت، ابراهیمی، سیدنصرالله و حمزه‌نهاد، ساحله (۱۴۰۰). تغییر بنیادین اوضاع و احوال در قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز؛ مطالعه موردی: حقوق ایران و کامن‌لا. پژوهش‌های نوین حقوق اداری، شماره ۸، دوره ۳، ۶۵-۹۰. doi: 10.22034/mral.2021.532427.1157
- ۲۵) کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵ الف). قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی. چاپ ۱۳، تهران: میزان.
- ۲۶) کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵ ب). درس‌هایی از عقود معین (جلد ۱). چاپ ۹، تهران: گنج دانش.
- ۲۷) کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵ ج). دوره مقدماتی حقوق مدنی؛ وقایع حقوقی. چاپ ۱۰، تهران: سهامی انتشار.
- ۲۸) کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸). حقوق خانواده (جلد ۱). چاپ ۱، تهران: سهامی انتشار.
- ۲۹) کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۱). عقود معین (جلد ۱). چاپ ۹، تهران: سهامی انتشار.
- ۳۰) کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۹). مسئولیت مدنی (جلد ۱). چاپ ۱۶، تهران: گنج دانش.
- ۳۱) کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۰). مسئولیت مدنی (جلد ۲). چاپ ۱۵، تهران: گنج دانش.
- ۳۲) کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی (جلدهای ۳ و ۵). چاپ ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۳۳) مؤمنی، سیدمحمدحسن (۱۳۹۸). دکترین عذر عام در قراردادها، چاپ ۲، تهران: مجد.
- ۳۴) مؤمنی، سیدمحمدحسن (۱۴۰۳). بصائر الاصول تبصره الفحول. چاپ ۲، قم: میراث ماندگار.
- ۳۵) مؤمنی، سیدمحمدحسن و مؤمنی، عابدین (۱۳۹۳). بررسی عقد اجاره در مواجهه با عذر عام. پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، شماره ۳۵، صص. ۱۴۱-۱۵۸.
- ۳۶) نایینی، محمدحسین (۱۴۱۳ق). المکاسب والبیع. (جلد ۱). چاپ ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۳۷) نایینی، محمدحسین (۱۴۳۱ق). منیة الطالب. (جلد ۱). چاپ ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۳۸) نجفی، محمدحسن (۱۳۴۷). جواهر الکلام (جلد ۲۷). چاپ ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۳۹) نراقی، ملا احمد (۱۳۷۵). عوائد الایام. چاپ ۱، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۴۰) هوشیار، محمدرضا، زارع، مهدی و رضانی، محمد (۱۳۹۹). آثار و شرایط قوه قاهره در فقه امامیه و حقوق مدنی ایران. دانش و پژوهش حقوقی، شماره ۹، صص. ۱۱۹-۱۴۶. doi: 10.22055/ajkr.2022.38564.1069

- 41) Corpus Juris Secundum. (1953). Legal impossibility (para. 467). The American Law Book Co., New York.
- 42) Thampapillai, D., Tan, V., & Bozzi, C. (2012). Contract law: Text and cases (p. 553). Oxford University Press, Australia.
- 43) UNIDROIT. (2016). Principles of international commercial contracts. International Institute for the Unification of Private Law (UNIDROIT), Rome.

References

- 1) A Group of Authors, supervised by Sayyid Maḥmūd Hāshimī Shāhrūdī (1423 AH/2002). *Mawsū'at al-Fiqh al-Islāmī Ṭibqan li Madhhab Ahl al-Bayt* (Vol. 4, 1st ed.). Qom: Mu'assasat Dā'irat al-Ma'ārif al-Fiqh al-Islāmī [in Arabic].
- 2) A Group of Authors, supervised by Seyyed Maḥmūd Hāshemī Shāhrūdī (1382 SH/2003). *Farhang-e Feqh Moṭābeq-e Mazhab-e Ahl-e Bayt ('alayhem al-salām)* [Encyclopedia of Jurisprudence According to the Doctrine of Ahl al-Bayt] (Vol. 4, 1st ed.). Qom: Mo'assese-ye Dā'erat al-Ma'āref-e Feqh-e Eslāmī [in Persian].
- 3) Abd al-Raḥmān, Maḥmūd (n.d.). *Mu'jam al-Muṣṭalahāt wa al-Alfāz al-Fiqhīyah*. n.p. [in Arabic].
- 4) Anṣārī, Murtaḍā (1415 AH/1994). *Kitāb al-Makāsib* (Vol. 3, 1st ed.). Qom: Kongreh Jahānī Shaykh Anṣārī [in Arabic].
- 5) Bojnūrdī, Seyyed Moḥammad Ḥasan (1386 SH/2007). *al-Qawā'ed al-Feqhīyah* [Legal Maxims] (Vol. 5, 3rd ed.). Qom: Dalīl-e Mā [in Arabic].
- 6) *Corpus Juris Secundum*. (1953). Legal impossibility (para. 467). The American Law Book Co., New York.
- 7) Dārā'ī, Moḥammad Hādī (1394 SH/2015). *Moṭāle'e-ye Taṭbīqī-ye Ma'āzīr-e Ejrā-ye Qarārdād dar Ḥoqūq-e Engelīs, Āmrīkā va Īrān* [A Comparative Study on Excuses of Contract Performance in English, American and Iranian Law]. *Moṭāle'āt-e Ḥoqūq-e Taṭbīqī* [Comparative Law Studies], 6(1), 107-150. doi: 10.22059/jcl.2015.54405 [in Persian].
- 8) Eskinī, Rabī'ā (1384 SH/2005). *Ḥoqūq-e Tejārat* [Commercial Law] (Vol. 2, 7th ed.). Tehran: SAMT [in Persian].
- 9) Farrokhānī, Hedāyat; Ebrāhīmī, Seyyed Naṣrollāh; & Ḥamzeh-Nehād, Sāheleh (1400 SH/2021). *Taghyīr-e Bonyādīn-e Owzā' va Aḥvāl dar Qarārdādhā-ye Bālādāsh-tī-ye Ṣan'at-e Naft va Gāz; Moṭāle'eh-ye Mowredi: Ḥoqūq-e Īrān va Kāman-lā* [Fundamental Change of Circumstances in Upstream Oil and Gas Contracts; Case Study: Iranian Law and Common Law]. *Pažūheshhā-ye Novīn-e Ḥoqūq-e Edārī* [Modern Administrative Law Researches], Year 3, No. 8, pp. 65-90. doi: 10.22034/mral.2021.532427.1157 [in Persian].
- 10) Ḥillī, Ḥasan ibn Yūsuf ('Allāmah) (1414 AH/1993). *Tadhkirat al-Fuqahā'* (Vol. 18, 1st ed.). Qom: Āl al-Bayt [in Arabic].
- 11) Ḥurr al-'Āmilī, Muḥammad ibn al-Ḥasan (1409 AH/1989). *Wasā'il al-Shī'ah* (1st ed.). Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt [in Arabic].
- 12) Hūshyār, Moḥammad-Rezā; Zāre', Maḥdī; & Ramzānī, Moḥammad (1399 SH/2020). *Āthār va Sharāyeṭ-e Qovveh-ye Qāhereh dar Feqh-e Emāmīyeh va Ḥoqūq-e Madanī-ye Īrān* [Effects and Conditions of Force Majeure in Imāmī Jurisprudence and Iranian Civil Law]. *Dānesh va Pažūhesh-e Ḥoqūqī* [Legal Knowledge and Research], No. 9, pp. 119-146. doi: 10.22055/ajkr.2022.38564.1069 [in Persian].
- 13) Ibn Manzūr, Abū al-Faḍl (1408 AH/1988). *Lisān al-'Arab* (Vol. 4, 3rd ed.). Beirut: Dār al-Fikr [in Arabic].
- 14) Ja'fari Langarūdī, Moḥammad Ja'far (1388 SH/2009). *al-Fāreq* (Vol. 4, 2nd ed.). Tehran: Ganj-e Dānesh [in Persian].

- 15) Ja'farī Langarūdī, Moḥammad Ja'far (1400 SH/2021). Mabsūṭ dar Terminolożhī-ye Hoqūq [Comprehensive Legal Terminology] (Vol. 4, 8th ed.). Tehran: Ganj-e Dānesh [in Persian].
- 16) Kātoziān, Nāṣer (1385 a SH/2006 a). Qānūn-e Madanī dar Naẓm-e Hoqūqī-ye Konūnī [Civil Law in the Current Legal Order]. 13th ed., Tehran: Mīzān [in Persian].
- 17) Kātoziān, Nāṣer (1385 b SH/2006 b). Dars-hāyī az 'Oqūd-e Mo'ayyan (Vol. 1) [Lessons from Specific Contracts]. 9th ed., Tehran: Ganj-e Dānesh [in Persian].
- 18) Kātoziān, Nāṣer (1385 c SH/2006 c). Dowreh-ye Moqaddamātī-ye Hoqūq-e Madanī; Vaqāye'-e Hoqūqī [Introductory Course of Civil Law; Legal Events]. 10th ed., Tehran: Sahāmī Enteshār [in Persian].
- 19) Kātoziān, Nāṣer (1388 SH/2009). Hoqūq-e Khānevādeh (Vol. 1) [Family Law]. 1st ed., Tehran: Sahāmī Enteshār [in Persian].
- 20) Kātoziān, Nāṣer (1391 SH/2012). 'Oqūd-e Mo'ayyan (Vol. 1) [Specific Contracts]. 9th ed., Tehran: Sahāmī Enteshār [in Persian].
- 21) Kātoziān, Nāṣer (1399 SH/2020). Mas'ūliyat-e Madanī (Vol. 1) [Civil Liability]. 16th ed., Tehran: Ganj-e Dānesh [in Persian].
- 22) Kātoziān, Nāṣer (1400 SH/2021). Mas'ūliyat-e Madanī (Vol. 2) [Civil Liability]. 15th ed., Tehran: Ganj-e Dānesh [in Persian].
- 23) Khū'ī, Sayyid Abū al-Qāsim (1414 AH/1993). Mustanad al-'Urwat al-Wuthqā, Kitāb al-Ijārah (1st ed.). Qom: Luṭfī [in Arabic].
- 24) Khū'ī, Seyyed Abū al-Qāsem (1371 SH/1992). Meṣbāḥ al-Feqāhah (Vol. 3, 3rd ed.). Qom: Vejdānī [in Arabic].
- 25) Kulaynī, Muḥammad ibn Ya'qūb (1407 AH/1987). al-Kāfi (Vols. 3 & 5). 4th ed., Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah [in Arabic].
- 26) Mo'menī, Seyyed Moḥammad Ḥasan (1398 SH/2019). Doktrīn-e 'Ozr-e 'Ām dar Qarārdādāhā [Doctrine of General Excuse in Contracts]. 2nd ed., Tehran: Majd [in Persian].
- 27) Mo'menī, Seyyed Moḥammad Ḥasan (1403 SH/2024). Baṣā'er al-Oṣūl Tabṣerat al-Foḥūl [Insights of Principles, Clarification for Scholars]. 2nd ed., Qom: Mīrāth-e Māndegār [in Persian].
- 28) Mo'menī, Seyyed Moḥammad Ḥasan; & Mo'menī, 'Ābedīn (1393 SH/2014). Barrasī-ye 'Aqd-e Ejāreh dar Movājeheh bā 'Ozr-e 'Ām [Study of Lease Contract Facing General Excuse]. Pażūhesh-hā-ye Feqh va Hoqūq-e Eslāmī [Islamic Jurisprudence and Law Researches], No. 35, pp. 141-158 [in Persian].
- 29) Nā'inī, Muḥammad Ḥusayn (1413 AH/1992). al-Makāsib wa al-Bay' (Vol. 1). 1st ed., Qom: Daftar al-Intishārāt al-Islāmī [in Arabic].
- 30) Nā'inī, Muḥammad Ḥusayn (1431 AH/2010). Munyat al-Ṭālib (Vol. 1). 3rd ed., Qom: Daftar al-Intishārāt al-Islāmī [in Arabic].
- 31) Najafī, Moḥammad Ḥasan (1347 SH/1968). Javāher al-Kalām (Vol. 27). 4th ed., Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah [in Arabic].
- 32) Narāqī, Mollā Aḥmad (1375 SH/1996). 'Avā'ed al-Ayyām. 1st ed., Qom: Daftar-e Tabliḡhāt-e Eslāmī [in Arabic].
- 33) Rūḡhī, Elhām & Morādī, Meysam (1400 SH/2021). Barrasī-ye Moqāyese'ī-ye

- Nazariye-ye Hârdshîp, Fûrs Mâzhûr va 'Aqîm Shodan-e Qarârdâd [Comparative Study of Hardship, Force Majeure and Contract Frustration]. Faşlnâme-ye 'Elmî-ye Feqh va Hoqûq-e Novîn, 2(2), 6, 73-95. doi: 10.22034/jaml.2021.246512 [in Persian].
- 34) Sabzawârî, Sayyid 'Abd al-A'lâ (1416 AH/1995). Muhadhdhab al-Aḥkâm (Vol. 19, 4th ed.). Qom: Mu'assasat al-Manâr [in Arabic].
- 35) Şadeqî Moqaddam, Moḥammad Ḥasan (1379 SH/2000). Taghyîr dar Sharâyeṭ-e Qarârdâd [Change in Contractual Conditions] (1st ed.). Tehran: Dâdgostar [in Persian].
- 36) Şafâ'î, Seyyed Ḥoseyn (1375 SH/1996). Maqâlâtî darbâreh-ye Hoqûq-e Madanî va Taṭbîqî [Articles on Civil and Comparative Law]. 1st ed., Tehran: Mîzân [in Persian].
- 37) Shahîd-e Thâni, Zayn al-Dîn (1369 SH/1990). al-Rawḍat al-Bahîyah (Vol. 2, 1st ed.). Qom: 'Allâmeh [in Arabic].
- 38) Sharîfî, Seyyed Elhâm al-Dîn & Şafarî, Nâhîd (1389 SH/2010). Moṭâle'e-ye Taṭbîqî-ye Athar-e Hârdshîp ('Usr va Ḥaraj) dar Uşûl-e Hoqûq-e Qarârdâdhâ-ye Urûpâyî (PECL), Uşûl-e Qarârdâdhâ-ye Tejârî-ye Beyn al-Melalî (UNIDROIT) va Hoqûq-e Îrân [A Comparative Study on Hardship in PECL, UNIDROIT and Iranian Law]. Hoqûq-e Taṭbîqî, 79, 5(2), 3-24 [in Persian].
- 39) Tarḥînî, Moḥammad Ḥoseyn (1389 SH/2010). al-Zubdat al-Feqhîyah [The Essence of Jurisprudence] (Vol. 5, 4th ed.). Beirut: Dâr al-Fiqh [in Arabic].
- 40) Thampapillai, D., Tan, V., & Bozzi, C. (2012). Contract law: Text and cases (p. 553). Oxford University Press, Australia.
- 41) Ṭûsî, Muḥammad ibn al-Ḥasan (1407 AH/1987). Tahdhîb al-Aḥkâm (Vol. 7). 4th ed., Tehran: Dâr al-Kutub al-Islâmîyah [in Arabic].
- 42) UNIDROIT. (2016). Principles of international commercial contracts. International Institute for the Unification of Private Law (UNIDROIT), Rome.
- 43) Zanganeh Shahrakî, Ja'far & Ḥoseynpûr, 'Alî (1400 SH/2021). Ta'sîr-e Ḥodûth-e 'Uzr-e 'Âm bar 'Aqd-e Mozâra'eh az Manzar-e Feqh va Hoqûq [The Impact of Public Excuses on Muzara'a Contracts from Jurisprudential and Legal Perspectives]. Jostârhâ-ye Feqhî va Uşûlî, 7(1), 165-194 [in Persian].

